

## استثناپذیری اصل علنی بودن دادرسی در رسیدگی به جرایم رسانه‌ای؛ گذار از یک سنت معیوب قضایی

قدرت‌الله رحمانی\*

(تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۵)

### چکیده

مطابق فهم رایج و مشهور از دلالت الفاظ اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مطلق جرایم سیاسی (اعم از مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی) و نیز جرایم مطبوعاتی (اعم از سیاسی و غیرسیاسی)، در شمول اصل مذکور قرار می‌گیرد و رسیدگی به همه این جرایم (بی‌هیچ استثنا) باید علنی باشد. پژوهش حاضر در صدد پاسخ به پرسش از سازگاری رویه حاکم بر نظام فعلی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در برگزاری مطلق دادرسی جرایم مطبوعات (مستفاد از اصل ۱۶۸ قانون اساسی)، با اصول و موازین دادرسی منصفانه است، که باروش توصیفی-تحلیلی، به بررسی انتقادی پرونده‌های مطروحه در دادگاه مطبوعات، پرداخته و پیامدهای تشکیل علنی دادگاه مطبوعات را تبیین کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در جریان دادرسی علنی بسیاری از جرایم رسانه‌ای و مطبوعاتی طی نزدیک به سه دهه گذشته، حقوق و حیثیت افراد و یا موازین اخلاقی و نظم و امنیت عمومی، بر خلاف معیارها و موازین دادرسی منصفانه، آشکارا نقض شده است.

واژگان کلیدی: اصل دادرسی علنی، دادرسی غیرعلنی، دادرسی منصفانه، دادگاه مطبوعات، نظم عمومی.

---

\* استادیار حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران: gh.rahmani@atu.ac.ir

## ۱. مقدمه

علنی بودن دادرسی وضعیتی است که در آن جلسات رسیدگی به اتهام متهم بدون ایجاد مانع بر سر راه افراد عادی و رسانه‌های عمومی تشکیل و اداره می‌شود. منظور از علنی بودن دادرسی که امروزه یکی از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه و حقی از حقوق بشر در دعاوی کیفری شمرده می‌شود این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شده، جریان ماوقع را از نزدیک مشاهده کرده و از اجرای دقیق قوانین، بی‌نظر بودن (بی‌طرف بودن) دادرسان و وجود عدالت قضایی اطمینان پیدا کنند (رضوی فرد و قربانزاده، ۱۳۹۵: ۱۶۳-۱۶۴). رسیدگی علنی، امکان نظارت عمومی مستقیم را به منظور اطمینان خاطر مردم از رعایت امنیت قضایی حقوقی‌شان، در جلسات دادگاه فراهم می‌آورد و از این رو، وسیله‌ای مناسب برای اعمال حق نظارت عمومی است (شعبانی، ۱۳۷۴: ۱۲۳). به عبارت دیگر، اصل علنی بودن، از موارد «نظارت همگانی» و مربوط به حقوق عمومی است. وقتی مردم در جریان محاکمات قرار بگیرند، صحت و سقم محاکمات را درمی‌یابند و این امر، موجب امنیت خاطر آنان نسبت به دستگاه قضایی خواهد شد (هاشمی، ۱۳۸۱: ۴۰۹)؛ زیرا اطمینان پیدا می‌کنند که موازین قانونی و مقررات وضع شده، به دقت از سوی قضات رعایت می‌گردد و هیچ‌گونه اعمال نفوذی بر آنان صورت نمی‌گیرد. افزون بر این، میزان دقت و ملاحظه و احتیاط خود قضات هم بیشتر می‌شود؛ زیرا مردم را نظاره‌گر آراء و احکام و قضاوت‌های خود می‌بینند و در نتیجه در اجرای هر چه بیشتر و بهتر قوانین، کوشا خواهند شد تا متهم به کم‌سوادی، سیاسی‌کاری، تبعیض و بی‌عدالتی در قضاوت نشوند (مدنی، ۱۳۷۴: ۱۲۹). ضمن آن‌که، علنی بودن دادرسی‌ها، موجبات عبرت‌آموزی و ترس از عقوبت تجاوز به حقوق و قوانین را در میان مردم فراهم می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۱: ۴۱۰).

اصل علنی بودن دادرسی (هم‌چون هر اصل حقوقی دیگر) استثنائات پذیرفته شده‌ای دارد که در اسناد معتبر حقوق بین‌الملل بشری به رسمیت شناخته شده است. براساس بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی -همچنین بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر- «هر کس حق دارد به دادخواهی او، به طور منصفانه و علنی، در یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف، طبق

قانون رسیدگی شود...». تصمیم به سرّی بودن جلسات دادرسی (در تمام یا قسمتی از آن) خواه به جهات رعایت اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوا اقتضاء کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیت خاص، علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد، تا حدی که دادگاه لازم بداند، امکان دارد، لیکن حکم صادره (اعم از احکام کیفری یا مدنی) علنی خواهد بود مگر در دعوی اطفال- که مصلحت طفل طور دیگری اقتضاء نماید- یا دادرسی مربوط به اختلافات زناشویی (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۰۸).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن ملاحظاتی - که از نظر مفهومی قابل انطباق با ملاحظات ذکر شده در اسناد بین‌المللی فوق‌الذکر می‌باشد- ضمن تأکید و تصریح بر اصل علنی بودن محاکم، استثنائاتی را بر این اصل وارد کرده که عبارت است از: نظم عمومی، عفت عمومی و تقاضای طرفین دعوی خصوصی.<sup>۱</sup> در سطح قانون‌گذاری عادی نیز، ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب اسفند ۱۳۹۲ و اصلاحات خرداد ۱۳۹۴، افزون بر تکرار تأکید قانون اساسی بر اصل علنی بودن محاکمات، تعریف مختصر و مجملی از آن ارائه نموده و منظور از علنی بودن را عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی، معنا کرده است.<sup>۲</sup> این تعریف، اگرچه برای تمیز مرزهای محاکم علنی از غیر علنی به قدر کافی رسا است، لیکن افزوده‌ای بر مفاد به غایت مجمل اصل ۱۶۵ قانون اساسی ندارد و بایسته‌ها و اقتضائات اصل علنی بودن را (آن چنان که امروزه مورد توجه نظام‌های حقوقی مدرن است) تضمین و تأمین نمی‌کند. علنی بودن دادرسی به مثابه‌ی یکی از معیارهای اساسی دادرسی عادلانه، صرفاً به مفهوم عدم ایجاد مانع برای حضور افراد و رسانه‌ها در جلسات دادگاه نیست بلکه قلمرو و دامنه‌ی این اصل،

۱. اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

۲. تبصره ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحات ۱۳۹۴/۳/۲۴: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است».

افزون بر رفع موانع حضور افراد و امکان انتشار جریان رسیدگی در رسانه‌ها، الزاماتی هم چون حضور متهم در دادگاه، رویارویی متهم با شاکی و گواهان و پرسش از آنان، مشخص بودن هویت کنشگران فرآیند کیفری، شفاهی بودن دادرسی و اعلان و قرائت رأی دادگاه را در بر می‌گیرد (نیکوئی، ۱۳۸۵: ۲۱۹). ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ هم چنین (به مثابه مقررات سازمان‌دهنده اصل ۱۶۵ قانون اساسی) استثنائات وارده بر اصل علنی بودن محاکم کیفری را احصا کرده و غیرعلنی کردن محکمه را در مواردی که طرفین یا شاکی در جرایم قابل گذشت، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند و یا دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکمه را در امور خانوادگی و جرایم منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه و یا محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی صادر کند، مجاز دانسته است.

با این وجود، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۶۸، مطلق محاکمات سیاسی و مطبوعاتی را بدون هیچ استثنائی مشمول اصل علنی بودن دانسته و به عبارتی، جرایم سیاسی و مطبوعاتی را «استثناء بر استثنائات اصل ۱۶۵» قرار داده است. از این رو، مستفاد از ظاهر اصل ۱۶۸، مطلق دادرسی‌های سیاسی و مطبوعات (حتی در موارد خلاف نظم یا عفت عمومی و یا رضایت نداشتن اصحاب دعوا) باید به صورت علنی برگزار شود.

پژوهش حاضر در صدد پاسخ به پرسش از سازگاری یا ناسازگاری رویه حاکم بر نظام فعلی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در برگزاری مطلق دادرسی جرایم مطبوعات (مستفاد از اصل ۱۶۸ قانون اساسی)، با اصول و موازین دادرسی منصفانه است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در جریان دادرسی علنی بسیاری از جرایم مطبوعاتی طی نزدیک به سه دهه گذشته، حقوق و حیثیت افراد و یا موازین اخلاقی و نظم و امنیت عمومی، بر خلاف معیارها و موازین دادرسی منصفانه، آشکارا نقض شده است.

در این مقاله، رویه محاکم ایران در علنی بودن مطلق دادرسی‌های مربوط به جرایم مطبوعات مورد بررسی انتقادی قرار گرفته و با ذکر شواهدی از پرونده‌های دادگاه ویژه مطبوعات (که متضمن موضوعات محل نظم و امنیت و یا تضییع‌کننده حیثیت و شرافت شخصی یا خانوادگی

افراد و یا ملکوک کننده عفت عمومی و اخلاق حسنه بوده و مآلاً باید مطابق موجهات استشنا کننده اصل علنی بودن، به صورت غیر علنی برگزار می شده است) پیامدهای ناصواب ناشی از تشکیل علنی دادگاه مطبوعات تبیین گردیده و برای برون رفت از این سنت قضایی معیوب، اجرای دو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب اسفند ۱۳۹۲ و جرم سیاسی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۵، از آن روی که موجب تسری استثنائات اصل علنی بودن به جرایم سیاسی و مطبوعاتی می شود، مورد تاکید قرار گرفته است.

## ۲. منشا و مفهوم اصل علنی بودن دادرسی و استثنائات آن در حقوق ایران

مبدأ و منشا اصل علنی بودن دادرسی در حقوق ایران به اصل ۷۷ متمم قانون اساسی مشروطه ایران باز می گردد که عیناً از ذیل اصل ۱۴۸ قانون اساسی ۱۸۳۱ بلژیک اقتباس شده بود. اصل ۱۴۸ قانون اساسی بلژیک ضمن پذیرش «اصل علنی بودن دادرسی محاکم» موارد استثنایی آن را شامل دادرسی هایی دانسته است که علنی بودن آن، خطری برای نظم عمومی و یا صغار در پی داشته باشد. در همین اصل تأکید شده است در زمینه ی جرایم سیاسی و مطبوعاتی، برگزاری جلسه محاکمه به صورت غیر علنی، تنها با اتفاق نظر اعضاء محکمه امکان پذیر است. مضمون ذیل اصل ۱۴۸ قانون اساسی بلژیک<sup>۱</sup> عیناً در اصل ۷۷ متمم قانون اساسی مشروطه ایران منعکس شده و آمده است: «در ماده تقصیرات سیاسی و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید به اتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود». هم چنین مفاد صدر اصل ۱۴۸ قانون اساسی بلژیک در خصوص استثنائات اصل علنی بودن، با دخل و تصرف توسط مقنن ایرانی و توسعه ی استثناء دوم از «مضر بودن برای صغار» - در قانون اساسی بلژیک - به «منافی عصمت بودن»، مورد اقتباس

1- Article 148 of the Belgian Constitution: "court hearings are Public, unless such public access endangers morals or the peace; if such is the case, the court so declares in a judgment. In cases of political or press offences, proceedings can only be conducted in camera on the basis of a unanimous vote. (New translation of the Belgian Constitution was made under the guidance of the Legal Department of the House of Representatives and with the collaboration of Mr A.Maclean in: [www.Legislation-Line.org/download/actio/download/id/1744/file/...PDF](http://www.Legislation-Line.org/download/actio/download/id/1744/file/...PDF)).

قرار گرفته و در اصل ۷۶ متمم قانون اساسی مشروطه آمده است: «انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر آن که علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد. در این صورت لزوم اخفا را محکمه اعلام می نماید». چنان که ملاحظه می شود قانون اساسی مشروطیت، امکان تمسک به استثنائات اصل دادرسی علنی را برای محاکم سیاسی و مطبوعاتی نیز پذیرفته بود؛<sup>۱</sup> لیکن مقنن اساسی جمهوری اسلامی، در انشاء اصل ۱۶۸ عباراتی را به کار گرفته که ظهور در امتناع مطلق از غیرعلنی شدن دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی دارد.<sup>۲</sup> بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق مشروح مذاکرات خبرگان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و تأمل در استدلال‌های موافقان و مخالفان با «اطلاق علنی بودن رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی» روشن می کند که تفاوت اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اصل ۷۷ متمم قانون اساسی مشروطه - که اجازه غیرعلنی کردن استثنائی رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی را به جمیع اعضای محکمه (هیأت قضایی به اضافه هیأت منصفه) داده بود - به شکلی آگاهانه پیش‌بینی و مقرر گردیده است (زینلی، ۱۳۷۸: ۱۲۵)؛ امری که بیش از هر چیز به درک و تلقی خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از معنا و مفهوم و مصادیق جرم سیاسی مربوط می شود که براساس آن، افزون بر تقارن مفهوم «جرایم سیاسی و مطبوعاتی» با مفهوم «جرایم واجد وصف سیاسی»، دایره‌ی جرایم مذکور به «جرایم ناب و خالص سیاسی» محدود و منحصر شده است و به هیچ وجه جرایم سیاسی به مفهوم عام «جرایم

۱. مطالعه عملکرد نظام قضایی کشور پیش از انقلاب اسلامی، هیچ نشانی از رویه قضایی درباره اجرای تضمین‌های قانون اساسی نسبت به متهمان سیاسی و مطبوعاتی ندارد، چه این که اساساً در هیچ دوره‌ای از ادوار ۷۰ ساله حکومت مشروطیت در ایران (جز مقاطعی اندک و کوتاه هم چون فاصله پیروزی جنبش مشروطیت تا استبداد صغیر و یا دوران دولت دکتر مصدق) اراده‌ای برای رعایت حقوق فعالان سیاسی مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی در رژیم گذشته وجود نداشته است (رحمانی، ۱۳۹۴: ۵۴).

۲. اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است...».

سیاسی-امنیتی<sup>۱</sup> به ویژه جرایم جاسوسی و خیانت به کشور و یا «جرایم سیاسی-نظامی»<sup>۲</sup> را شامل نمی‌شود تا اخفاء محکمه از باب رعایت نظم و امنیت عمومی لازم بیاید. مع الوصف، اصرار تعدادی از خبرگان بر «تعارض احتمالی علنی بودن محاکمات سیاسی با نظم عمومی»<sup>۳</sup> با این استدلال مواجه شده است که حتی در فرض مذکور (تراحم دو مصلحت «رعایت نظم عمومی» و «حمایت از آزادی و حقوق فعالان سیاسی») مصلحت اقوا و برتر، حمایت از حقوق و آزادی اساسی افراد در مقابل مفساد و مضایق ناشی از دیکتاتوری‌ها است.<sup>۴</sup> از این رو، باید اذعان کرد در

۱. سید محمد کیاوش: «علنی بودن محاکمات سیاسی گاهی به ضرر مملکت است، مثلاً ممکن است خدای ناکرده یکی از اسرار مملکت را برای یک کشور خارجی آشکار کرده باشد، در این صورت محاکمه او اگر علنی باشد بیشتر به ضرر مملکت تمام می‌شود.» نایب رئیس (سیدمحمدحسین بهشتی): «این جرم، سیاسی نیست جناب است» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۶۷۸).

۲. محمد فوزی: «در اینجا که نوشته است «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد» اطلاق آن منافات دارد با آن اصلی که قبلاً تصویب شد [اصل ۱۷۲] که رسیدگی به جرایمی که مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی است در محاکم نظامی صورت می‌گیرد...» نایب رئیس: «این چه ارتباطی به هم پیدا می‌کند؟ جرایم خاص نظامی مربوط است به وظایفی که نظامیان دارند. یک جرم‌هایی هست که اصلاً غیرنظامی نمی‌تواند مرتکب بشود مثلاً فرار از میدان جنگ، این جرمی است که برای غیرنظامی معنی ندارد، فقط برای نظامی است، این را می‌گویند «جرایم خاص نظامی». پس این چه ارتباطی با این اصل پیدا می‌کند؟» محمد فوزی: «جرم سیاسی همین است.» نایب رئیس: «خیر آقا، این که سیاسی نیست، نظامی است...» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۶۷۸).

۳. علی اکبر مشکینی: «چون علنی بودن به نحو اطلاق، در اصل قبلی [اصل ۱۶۵] گفته شده، حالا این عبارت [اصل ۱۶۸] این طور باشد چطور می‌شود؟ «رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه صورت می‌گیرد» [عبارت] به صورت علنی... در این پیشنهاد حذف شده است. سیدحسن طاهری خرم‌آبادی: «در محاکمات سیاسی هم علنی بودن گاهی منحل به نظم عمومی است و چون در بالا [اصل ۱۶۵] آن را استثنا کردید، در این جا یا این علنی بودن را بردارید یا به همان اطلاق اصل قبلی [اصل ۱۶۵] اکتفا کنید...» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۶۷۸).

۴. نایب رئیس: «آقایان این تراحم در مصالح را باید همیشه در این اصول رعایت بفرمایید. هم چنان که در قوانین، در مورد جرایم سیاسی و مطبوعاتی خود این که جرم سیاسی و مطبوعاتی علناً محاکمه بشود این جلو بسیاری از مفساد و مضیقه‌ها و دیکتاتوری‌ها را می‌گیرد؛ بنابراین این را اگر بخواهند دستش بزنند و بگویند هر وقت که خلاف نظم تشخیص دادند، سرّی

مجموع، از منظر خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جرایم موضوع اصل ۱۶۸ اولاً؛ دارای وصف سیاسی است و از این حیث جرایم ارتكابی از طریق مطبوعات، واجد هیچ خصوصیتی (به جز آلیت برای ارتكاب جرم سیاسی) نیست تا مستقلاً در کنار جرایم سیاسی مطرح شود، ثانیاً؛ دایره‌ی اصل ۱۶۸، همه جرایم سیاسی در مفهوم عام شامل جرایم سیاسی واجد وصف امنیتی (از قبیل جاسوسی و خیانت به کشور) و یا جرایم سیاسی نظامیان را در بر نمی‌گیرد (رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۱۸). در نتیجه، دفاع منطقی از «اطلاق علنی بودن رسیدگی به جرایم اصل ۱۶۸»، مستلزم پذیرش گزاره‌ای است که جرم سیاسی در حقوق ایران را جرمی می‌داند که علی‌القاعده نباید و نمی‌تواند علنی شدن دادرسی آن، موجب اخلال در نظم عمومی شود؛ زیرا «لزوم اخفاء محکمه در صورت احتمال لطمه به نظم عمومی» اصلی معتبر و پذیرفته‌شده در همه نظام‌های دادرسی قضایی است که هم در اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم در اصل ۷۶ متمم قانون اساسی مشروطه منعکس گردیده است.

با این وجود، فهم رایج و مشهور از ظهور یا دلالت الفاظ اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همواره این بوده است که مطلق جرایم سیاسی (اعم از مطبوعاتی و غیر مطبوعاتی) و نیز جرایم مطبوعاتی (اعم از سیاسی و غیرسیاسی)، در شمول اصل مذکور قرار می‌گیرد و بی‌هیچ استثنائی رسیدگی به همه این جرایم باید علنی باشد. قوانین موضوعه نیز تا پیش از تحولات تقنینی چند ساله اخیر (که تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون جرم سیاسی ۱۳۹۵ را در پی آورد) چنان درک و دریافتی از لزوم علنی بودن مطلق جرایم سیاسی و مطبوعاتی را صحنه گذاشته است.

---

انجام بدهند واقعاً مثل این است که این اصل را اصلاً ما نداشته باشیم. این است که روی «تزام» این کار را می‌کنند» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۶۸۰).



### ۳. آفات علنی بودن دادرسی جرایم غیرسیاسی مطبوعات و رسانه‌ها

استثنا پذیری اصل علنی بودن محاکمات عادی، به وجود پاره‌ای مصالح و فواید غیرعلنی بودن، یا پدید آمدن برخی مفسد و آثار سوء ناشی از علنی کردن محاکمات، مستند شده و بر اساس همین منطق استدلال گردیده است که مصالح یا مفسد مذکور هیچ‌گاه در محاکمات سیاسی یا مطبوعاتی نمی‌تواند اصل علنی بودن محاکمات را تحت‌الشعاع خود قرار دهد؛ زیرا مصلحت غالب در این گونه محاکمات (تحقق عدالت کیفری و رعایت بی‌طرفی در مورد محاکمه مخالفان دولت) همواره در موضع برتر قرار دارد و مصداق بارزی از «ترجیح مصلحت اقوا» به شمار می‌رود (زینلی، ۱۳۷۸: ۱۲۴-۱۲۵). این استدلال، به طور مطلق و در همه موارد، پذیرفته نیست، از آن روی که بسیاری از جرایم مطبوعاتی از جمله جرم توهین و افتراء به اشخاص (ماده ۳۰ قانون مطبوعات) و یا افشای اسرار شخصی (موضوع ماده ۳۱ قانون مطبوعات) که مستفاد از تبصره ماده ۲۷ قانون مطبوعات نیازمند شاکی خصوصی است، ناظر به حوزه عمومی و یا حریم حکومت و زمامداران نیست و لذا از حیث منطق حقوقی، محکمه آن‌ها می‌تواند با توافق طرفین دعوا، غیرعلنی برگزار شود (صالحی انصاری، ۱۳۸۵: ۱۹۶). همچنین در دفاع از «اطلاق علنی بودن محاکمات اصل ۱۶۸» استدلال شده است که چون ارتکاب جرایم مطبوعاتی، اصولاً و همواره «علنی» است، پس ادعای «ضرورت غیرعلنی بودن محاکمه مطبوعاتی» اساساً غیرقابل پذیرش است (هاشمی، ۱۳۸۱: ۵۶۶). این ادعا نیز، علی‌الاطلاق پذیرفتنی نیست؛ چرا که مثلاً پاره‌ای از جرایم مطبوعاتی، از انتشار مطالب یا تصاویر منافی عفت عمومی یا متضمن اشاعه فحشا و منکر ناشی می‌شود که صرف انتشار علنی محتواهای یادشده، نمی‌تواند و نباید مجوزی برای علنی کردن رسیدگی به این قبیل جرایم باشد (اسماعیلی، ۱۳۷۶: ۶۹). به علاوه، رسیدگی علنی به آن دسته از جرایم مطبوعاتی که ملازمه با افشای مسائل سرّی مرتبط با حفظ امنیت عمومی دارد، پذیرفتنی نیست؛ از آن روی که نمی‌توان همواره میان علنی بودن جرم ارتكابی و علنی کردن محکمه رسیدگی به آن جرم، ملازمه برقرار کرد؛ زیرا انتشار علنی مطالب یا تصاویر مصداق جرایم امنیتی، در صورت علنی بودن رسیدگی به آن، می‌تواند باب افشای جزئیات

بیشتری از مسائل و موضوعات محرمانه را بگشاید که قطعاً خلاف منافع و حیثیات جامعه است (صالحی انصاری، ۱۳۸۵: ۱۹۷).

### ۳-۱. علنی بودن دادرسی و لطمه به نظم عمومی

نظم عمومی مدلول مقرراتی است که در آن، ذات، حیث و منافع مادی و معنوی جامعه باید مورد حمایت جدی قرار بگیرد. در صورت بر هم زدن نظم عمومی، وجدان جامعه جریحه‌دار می‌شود. از این رو، برای حفظ نظم عمومی هرگونه اقدام الزام‌کننده یا بازدارنده، به‌جا و شایسته خواهد بود. از طرفی، چون موضوع نظم عمومی مفهوم کشداری است که ممکن است در دادگاه‌ها برای انجام بسیاری از محاکمات مورد سوءاستفاده قرار بگیرد و اصل علنی بودن محاکمات را تحت الشعاع قرار بدهد، می‌توان چنین استدلال کرد که مقنن قانون اساسی با پیش‌بینی اطلاق علنی بودن محاکمات سیاسی و مطبوعاتی، سعی کرده است از سرّی کردن محاکمات مخالفان سیاسی دولت و حکومت به بهانه حفظ نظم عمومی جلوگیری کند (هاشمی، ۱۳۸۱: ۴۱۰). به رغم چنین استدلالی، رسیدگی علنی به پاره‌ای از جرایم ارتكابی توسط مطبوعات که به نحو آشکاری بی ارتباط با دولت و حکومت است و به هیچ وجه جنبه سیاسی ندارد می‌تواند از جهاتی منافی نظم عمومی باشد که علی‌الاصول باید اجازه غیرعلنی کردن محکمه را به قاضی رسیدگی کننده اعطا نمود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). لیکن به سبب حکومت نظریه اطلاق علنی بودن دادرسی‌های سیاسی و مطبوعاتی، چنین تمهیدی در سابقه دادگاه‌های مطبوعات وجود ندارد.

از جمله دادرسی‌هایی که طی سالیان اخیر با رعایت تشریفات اصل ۱۶۸ قانون اساسی و به صورت علنی، در دادگاه ویژه مطبوعات برگزار شده است و می‌تواند از مصادیق لطمه به نظم عمومی تلقی گردد، دادگاه رسیدگی به اتهام مدیر مسئول «روزنامه ایران» درباره ماجرای مشهور انتشار طنز کاریکاتوری در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۵ است که به علت شائبه اهانت و تمسخر یکی از اقوام مهم ایرانی، موجی از خشم و اعتراض در مناطق آذری زبان کشور را در پی آورد

و حتی در جریان حوادث پیش آمده به سبب انتشار طنز یادشده، تنی چند از هم وطنان آذری جان خود را از دست دادند.<sup>۱</sup> رسیدگی به این پرونده، در حالی در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران به صورت علنی و با حضور جمع کثیری از اصحاب رسانه و خبرنگاران جرایم و مطبوعات برگزار گردید که توضیحات نماینده مدعی‌العموم در حین قرائت کیفرخواست و یا دفاعیات مدیر مسئول روزنامه و وکلای او، بارها و بارها تکرار مضامین مجرمانه مندرج در روزنامه را به نحو استهزاآمیزتری به دنبال داشت به طوری که انعکاس رسانه‌ای گزارش جلسه علنی دادگاه، به خودی خود می‌توانست دامن زدن به التهابات مناطق آذری‌زبان را در پی داشته باشد.

در پرونده مشابهی البته با ابعاد رسانه‌ای محدودتر مدیر مسئول نشریه «سپاس» به اتهام نشر مطلب توهین‌آمیز به یکی دیگر از اقوام ایرانی، در دادگاه ویژه جرایم مطبوعاتی مورد محاکمه قرار گرفت که توضیحات نماینده دادستان و نیز دفاعیات متهم، تکرار الفاظ اهانت‌آمیز مندرج

۱. در این کاریکاتور جنجالی که در هفته‌نامه «ایران جمعه» (ویژه‌نامه روزهای جمعه روزنامه ایران) به مدیر مسئولی «غلامحسین اسلامی‌فر»، در روز ۲۲ اردیبهشت سال ۱۳۸۵ به صورت کمیک استریپ و تحت عنوان «چه کنیم سوسک‌ها سوسک‌مان نکنند»، منتشر شد، چگونگی مقابله با سوسک‌ها در قالب دو شخصیت سوسک و یک پسر نوجوان تصویر شده بود. در تمام کاریکاتورها، سوسک به زبان فارسی سخن می‌گوید، اما در یکی از قسمت‌ها در پاسخ به پسر نوجوان از کلمه ترکی «نمنه» -به معنای «چی می‌گی؟»- استفاده می‌کند. در متنی که در کنار کاریکاتور و تحت عنوان «گفتمان» آمده، نوشته شده است: «... مشکل این جاست که سوسک، زبان آدم حالیش نمی‌شه. دستور زبان سوسکی هم اون قدر سخته که ۸۰ درصد خود سوسک‌ها هم بلند نیستن و ترجیح می‌دن به زبان‌های دیگه حرف بزنن. وقتی سوسکا، زبون خودشونو نمی‌فهمن، شما چه جوری می‌خوان بفهمین؟!...». (هفته‌نامه «ایران جمعه»، «چه کنیم سوسک‌ها سوسک‌مان نکنند» (۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵، صفحه کودک و نوجوان). انتشار این کاریکاتور، موجی از خشم و اعتراض را در مناطق آذری‌زبان کشور موجب گردید و علاوه بر آن در نقاط دیگر کشور از جمله تهران نیز دانشجویان ترک‌زبان و دیگر اقشار به تظاهرات اعتراض‌آمیز و بعضاً خشونت‌بار دست زدند. اعتراض‌های خیابانی در شهرهای مناطق ترک‌نشین کشور چندین کشته به جای گذاشت که از آن جمله کشته شدن ۴ نفر در شهر نقده (در استان آذربایجان غربی) بود (خبرگزاری ایرنا، مورخ ۱۳۸۵/۰۳/۰۴). محاکمه «غلامحسین اسلامی‌فر» مدیر مسئول روزنامه ایران به اتهام ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه و اهانت به مردم آذربایجان در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه در شهریور ۱۳۸۵ برگزار گردید که منتهی به تبرئه متهم شد (رأی هیأت منصفه دادگاه مطبوعات استان تهران، صورتجلسه ۱۳۸۵/۰۶/۱۸).

در نشریه را این بار به صورت شفاهی و در صحن علنی دادگاه به همراه داشت.<sup>۱</sup> در هر دو پرونده یادشده، احتمال لطمه به نظم عمومی به واسطه تشدید احساسات منفی و خشم آلود مردم مناطق ترک‌زبان و یا لرنشین، به سبب علنی بودن محاکمه، امری قطعی به نظر می‌رسد. با این وجود، رویه حاکم مبتنی بر لزوم علنی بودن این دادرسی‌ها، مانع از غیرعلنی کردن دادگاه‌های مذکور گردیده، که مبنای آن با منطق حقوقی ناظر بر «استثنائات اصل علنی بودن محاکم» کاملاً آشکار است.

### ۳-۲. علنی بودن دادرسی و لطمه به عفت عمومی

مخالفت با عفت عمومی، از معاذیر شناخته‌شده و مورد قبول تمام نظام‌های حقوقی است که چشم‌پوشی از مزایای علنی بودن دادرسی‌ها را موجه می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۷۶: ۶۹). از این رو نمی‌توان براساس این استدلال که چون ارتکاب جرم مطبوعاتی به خودی‌خود به صورت علنی و از طریق انتشار واقع می‌شود، ضرورت علنی بودن دادرسی جرم یادشده (که مستلزم بازگو کردن جزئیات واقعه و انتشار وسیع‌تر موضوع جرم در جامعه باشد) را ادعا نمود. به عبارت دیگر، علنی بودن انتشار مطالب خلاف عفت عمومی، به هیچ روی نمی‌تواند مجوزی برای دامن زدن به اشاعه محتوای مجرمانه آن از طرق دیگر از جمله به واسطه‌ی برگزاری علنی دادگاه باشد؛ زیرا اگر چه

۱. نشریه «سیاس» به مدیریت مسئولی «حسین سعیدپور» در نیمه دوم شهریور ۱۳۸۵، جدولی به چاپ رسانده که در یکی از ستون‌های آن دو پرسش پی‌درپی با عبارت «از طوایف غرب کشور - الاغ» مطرح شده بود و پاسخ‌ها به ترتیب «لر» و «خر» بوده است. چون جدول مذکور به صورتی طراحی شده که دو واژه مذکور بدون هیچ فاصله‌ای در پی هم آمده و ترکیب «لر خر» را نشان داده است، موجبات تنش و تشنج در منطقه لرستان فراهم گردید، به طوری که پس از تحصن دانشجویان دانشگاه لرستان و دانشگاه علوم پزشکی این استان، احتمال تظاهرات عمومی خیابانی در استان یادشده جدی شد (نامه سعید رازانی دادستان عمومی و انقلاب خرم‌آباد به دادستان عمومی و انقلاب تهران، بدون تاریخ، به نقل از: پیک ویژه شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران، مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۰۳). جلسه محاکمه مدیر مسئول «سیاس» به اتهام ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه و اهانت به قوم لر، در مورخ سوم تیرماه ۱۳۸۶ در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه برگزار و مدیر مسئول نشریه از سوی هیأت منصفه مجرم شناخته شد (رأی هیأت منصفه دادگاه مطبوعات استان تهران، صورت جلسه مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۰۳).

تعقیب، محاکمه و مجازات متجاوزین به عفت و عصمت، خواسته جدی جامعه، عموماً و نیز افراد خانواده‌های لطمه دیده می‌باشد، اما علنی بودن جریان رسیدگی به این موارد نوعاً موجب آزرده‌گی خاطر عمومی و بعضاً مایه سرشکستگی و آبروریزی اصحاب دعوا و بستگان آنهاست (هاشمی، ۱۳۸۱: ۴۱۱). از همین رو، نگرش حقوقی معطوف به «کارکردهای ژورنالیسم در عصر مطبوعات سیاسی و عقیدتی» (که به طور معمول، دولت را طرف دعاوی و جرایم مطبوعاتی تلقی می‌کند) در زمانه حاضر که به مدد توسعه فوق‌العاده تکنولوژی نشر و پیدایش عناوین و شمارگان متنوع نشریات در گونه‌ها و زمینه‌های پرشمار زندگی بشری، «عصر مطبوعات تجارتي» لقب گرفته است، نمی‌تواند پرسش از چیستی، چرایی و چاره جرایم مطبوعاتی را به درستی و دقت پاسخ دهد. امروزه، بیش از هر زمان دیگر، دامنه‌ی جرایم مطبوعاتی غیرمرتبط با حرمت و حیثیت حکومت و دولت که مستقیماً بر افکار عمومی و یا حقوق افراد تأثیر می‌گذارد گسترش پیدا کرده است و طبیعی است که دیگر نمی‌توان همه انواع جرایم مطبوعاتی را در ردیف جرایم سیاسی قرار داده و تابع نظام دادرسی واحد نمود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۰: ۱۷۰).

در سابقه دادگاه‌های جرایم مطبوعاتی، موارد متعدد و متنوعی از رسیدگی‌های علنی دیده می‌شود که آشکارا با عفت عمومی منافات دارد و در این جا دو نمونه از این دست پرونده‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرد:

دریک پرونده، مدیر مسئول مجله «روان‌شناسی جامعه» به اتهام «اشاعه منکرات و انتشار مطالب خلاف عفت عمومی» براساس اصل ۱۶۸ به صورت علنی مورد محاکمه قرار گرفته است. این مجله در چندین شماره پی‌درپی، مطالبی راجع به سکس و روابط جنسی به صورت عریان و بی‌پرده و با ذکر جزئیات منتشر کرده بود. نماینده دادستان به هنگام قرائت کیفرخواست در جلسه علنی که با حضور ده‌ها خبرنگار زن و مرد از رسانه‌های مختلف برگزار می‌شد در حالی که به لحاظ قانونی ملزم به قرائت مفاد کیفرخواست و ذکر مطالب مجرمانه بوده است، تصریح کرد به خاطر رعایت عفت عمومی و حرمت دادگاه، ناچار است از قرائت مطالب نشریه خودداری کند. در عین حال، متهم در پاسخ به اظهارات نماینده دادستان، از آن چه که وی «عفت عمومی» نامیده

بود تحت عنوان «عفونت عمومی» یاد کرد و به صراحت از عملکرد خود در انتشار مطالب یاد شده دفاع نمود. در جلسه شور هیأت منصفه نیز، با توجه به حضور یک عضو زن، اعضای هیأت منصفه برای بحث پیرامون مندرجات نشریه با مشکل مواجه بودند و غالباً نظر خود را بدون استناد به مطالب منتشره و به صورت ایما و اشاره بیان کرده‌اند.

در پرونده دیگر، مدیر مسئول روزنامه «شرق» به خاطر انتشار مطلبی تحت عنوان «زبان زنانه» که مصاحبه با خانمی مقیم خارج از کشور به نام «ساقی قهرمان» بود به اتهام اشاعه فحشا و منکرات و انتشار مطالب خلاف عفت عمومی، در دادگاه مطبوعات به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه محاکمه شده است.<sup>۱</sup> محتوای مطالب منتشر شده، تبیین و تشریح احساسات هم‌جنس‌گرایانه است و باز به همان علت رعایت عفت عمومی، قرائت متن کیفرخواست توسط نماینده دادستان، به صورت ناقص و با حذف عبارات استنادی منتشره در متن روزنامه شرق، انجام شده است. در جلسه شور هیأت منصفه نیز وضع مشابهی از جهت نحوه اظهار نظر اعضای هیأت، روی داده است.

### ۳-۳. علنی بودن دادرسی و تضييع حقوق و حیثیت افراد

رسیدگی‌های علنی، علاوه بر نقض حریم عفت عمومی، در پاره‌ای موارد منجر به نقض حقوق و گاه هتک حیثیت و آبروی افراد می‌شود. با وجودی که اصل ۱۶۵ قانون اساسی، اصحاب دعوا را حاکم بر اصل علنی بودن دادگاه‌ها قرار داده و آن‌ها را مجاز و مخیر در انتخاب شیوه برگزاری محکمه دانسته است، لیکن تلقی و تفسیر رایج از اصل ۱۶۸ آن است که در جرایم مطبوعاتی چنین حقی برای اصحاب دعوا وجود ندارد و از این رو، شاکی خصوصی در جرایم مطبوعاتی، ملزم به طرح شکایت در محکمه علنی است که این موضوع در مواردی می‌تواند هتک آبرو و حیثیت شاکی را موجب شود و چه بسا وی را وادار به ترک دعوا نماید. حال آن که منطبق حقوقی و رعایت حقوق و حیثیت افراد ایجاب می‌کند که ابتکار عمل در تعیین علنی یا

۱. پیک ویژه شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران، مورخ ۱۳۸۸/۰۶/۱۵.

غیر علنی بودن محکمه، به اصحاب دعوا سپرده شود و حتی در صورت تعارض خواست طرفین دعوا، به نظر می‌رسد باید خواست طرفی را که طالب غیر علنی بودن دادگاه می‌باشد، مقدم شمرده و آن را ملاک تصمیم دادگاه در غیر علنی کردن محکمه دانست؛ از آن روی که نفس شرمندگی حاصل از علنی بودن دادگاه، ممکن است مجازاتی سنگین‌تر از محکومیت احتمالی توسط دادگاه برای متهم را در پی داشته باشد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۲۴۱). مهم‌تر از آن، ممکن است با وجود محکومیت و مجازات متهم، نفس برگزاری علنی دادگاه سرشکستگی و هتک حیثیت شاکی را موجب گردد که در دعاوی مطبوعاتی، به طور معمول این نوع زیان‌دیدگی معنوی، متوجه آنان می‌شود.

در طی سالیان متمادی تشکیل دادگاه‌های علنی مطبوعات، پرونده‌های متعددی با شکایت افراد از مطبوعات در دادگاه مطرح شده که موضوع شکایت، ورود نشریه به حریم خصوصی شاکیان بوده و بالطبع مصلحت شاکیان مزبور اقتضاء می‌کرده است که رسیدگی به شکایت، به صورت غیر علنی انجام شود، لیکن رویه جاری در سیستم محاکم فعلی ایران مانع از غیر علنی کردن محکمه شده، در حالی که موضوع پرونده اساساً موضوعی خصوصی، و بی‌ارتباط با منافع جامعه بوده است. مروری بر پرونده‌های جرایم مطبوعاتی مطروحه در دادگاه اصل ۱۶۸، در مواردی به وضوح از تضييع حقوق افراد به واسطه علنی بودن محاکمه، حکایت می‌کند؛ آن‌چنان که در پاره‌ای از دعاوی، شاکیان خصوصی به خاطر حفظ آبروی خود، عطای احقاق حق را به لقایش بخشیده و از ادامه دعوا و طرح علنی آن در دادگاه صرف نظر کرده‌اند. همچنین در بعضی موارد به واسطه غفلت شاکیان از آثار سوء علنی بودن محکمه و رضایت به تشکیل دادگاه و سپس انتشار گسترده گزارش محکمه در رسانه‌ها، عملاً دچار هتک آبروی مضاعف و به مراتب وسیع‌تر از انتشار مطالب مجرمانه مورد شکایت، شده‌اند که به عنوان نمونه به دو پرونده اشاره می‌شود:

نشریه «شاخص» به عنوان یکی از مصداق‌های بارز نشریات عامه پسند (موسوم به زرد) با دو شکایت خصوصی که هر دو ناظر به چاپ مطالبی است که به طرز آشکاری موجبات هتک

حیثیت شاکیان را فراهم نموده، در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران، مورد محاکمه قرار گرفت. در شکوائیه نخست، «شهرام - ط» دندانیزشک از «حسن شاخصی» مدیر مسئول نشریه «شاخص» به اتهام «نشر اکاذیب به قصد اضرار به غیر» شکایت کرده است. نشریه شاخص با درج مطلبی راجع به شاکی که همسرش در سال ۱۳۸۰ در مطب دندانیزشکی وی به قتل رسیده است چنین وانمود کرده که گویی قاتل «هاله»، همسرش «شهرام - ط» می باشد. شاکی مدعی بود که نشریه شاخص با درج این مطلب آبرویش را در میان خانواده و آشنایان برده است. «حسن شاخصی» مدیر مسئول نشریه شاخص در مقام دفاع از خود در حضور هیأت قضایی، هیأت منصفه و ده ها نفر از خبرنگاران و اصحاب رسانه ها به عذرخواهی از «شهرام - ط» بسنده کرد و از وی خواست تا او را هم در غم از دست دادن همسرش شریک بدانند (!). می توان تصور کرد جراید و خبرگزاری هایی که خبرنگاران شان در جلسه علنی حضور داشتند، فردای روز محاکمه، با عکس و تفصیلات فراوان، بار دیگر جزئیات قتل «هاله» را پس از ۴ سال، به بهانه تشکیل این محکمه، منتشر کرده و با استفاده از بی احتیاطی شاکی در طرح شکایت، یک بار دیگر در میدان رقابت مطبوعاتی، به آبرو و حیثیت خانوادگی «شهرام - ط» و همسر مقتوله اش «هاله»، چوب حراج زده اند. در شکوائیه دوم، شکایت «بابک - و» از مدیر مسئول نشریه شاخص به اتهام «افتراء و هتک حیثیت و آبرو» طرح شده است. «بابک - و» به خاطر درج تیترو درشت در صفحه اول نشریه «شاخص» با عبارت «تجاوز به ۹ دختر دانش آموز در آموزشگاه» و توضیح جزئیات مطلب در صفحات داخلی، از مدیر مسئول نشریه مذکور شکایت کرده است. شاکی در جلسه علنی رسیدگی به این شکایت می گوید: «مدرس مشهور فیزیک در ناحیه تهران بودم. رقبای من چون از طریق علمی نتوانستند مرا حذف کنند، این پاپوش را برایم درست کردند... این آقا [مدیر مسئول نشریه شاخص] تیترو زده است به ۹ دختر تجاوز شده. از زندگی ساقط شدم و نمی دانم با چه رویی به صورت زن و بچه ام نگاه کنم. مدیر مسئول نشریه شاخص در دفاع از خود، ضمن تحلیل محتوای شکایت شاکی، رو به وی گفت: «بهتر بود به جای شکایت، تکذیبیه می فرستادید و ماهم چاپ می کردیم! اگر آبروی تان رفته است واقعاً عذرخواهی می کنم!». چنان که ملاحظه



می‌شود، نشریه‌ای برای جلب مشتری بیشتر و نه اطلاع‌رسانی شرافتمندانه با درج تیرتی درشت و با مضمونی بسیار ترغیب‌کننده، شخصی را که گنااهش در هیچ محکمه‌ای ثابت نشده است از زندگی ساقط می‌کند و هنگامی که این شخص برای احیای حیثیت و حیات معنوی خود شکایت می‌کند، این بار آبروی از دست رفته، در ابعاد وسیع‌تر و در مرئی و منظر اصحاب جراید و رسانه‌ها، به بهانه علنی بودن محاکمه مطبوعاتی، بار دیگر ریخته می‌شود.

در پرونده‌ای دیگر، «محمد رضا گلزار» و «مهناز افشار» دو بازیگر مشهور سینمای ایران، از نشریه «سینما» به خاطر درج خبری جعلی و تخیلی از ازدواج این دو هنرمند، شکایت کرده‌اند. «گلزار» که در تمام لحظات قرائت شکایت توسط نماینده مدعی‌العموم با حالتی مضطرب و سربه‌زیر، دزدانه اطرافش را می‌پایید، پس از دعوت شدن به جایگاه مخصوص برای طرح شکایت، با حالتی دست‌پاچه که به هیچ وجه از این سوپر استار سینمای ایران توقع نمی‌رفت با اکتفا به بیان عباراتی مبهم که احتمالاً بر صرف نظر کردن وی از شکایت دلالت داشت و با پوزش از دادگاه و حضار جلسه، به سرعت تالار محکمه را ترک کرد.

#### ۴. نتیجه

مراد و مقصود مقنن از پیش‌بینی تضمین‌های ویژه دادرسی جرایم سیاسی و مطبوعاتی (از جمله لزوم دادرسی علنی و ممنوعیت غیرعلنی کردن این دسته از محاکمات)، حمایت خاص از متهمان سیاسی بوده است و اگر بعد از عبارت «جرایم سیاسی» بلافاصله عبارت «و مطبوعاتی» را اضافه کرده، از آن جهت بوده که در زمانه انشاء اولیه این اصل (در عصر مشروطیت)، جرایم مطبوعاتی به گواهی تاریخ مطبوعات نوعاً از جنس جرایم سیاسی بوده و مطبوعات از جمله مهم‌ترین و بلکه مهم‌ترین ابزار ارتکاب جرم سیاسی به شمار می‌رفته‌اند. از این رو مقنن اساسی از باب تأکید بر مهم‌ترین و رایج‌ترین ابزار ارتکاب جرایم سیاسی، مطبوعات را مورد تصریح قرار داده است. براساس این نظر، ابزار مطبوعات از حیث ارتکاب جرم، خصوصیتی ندارد و ارباب جراید در صورت ارتکاب جرایم فاقد اوصاف سیاسی، در ردیف سایر مرتکبان جرایم عمومی باید در

محاكم عمومی و با رعایت تشریفات معمول در رسیدگی به این جرایم، محاکمه شوند و صرف ارتکاب جرم از طریق مطبوعات، موضوع را مشمول اصل ۱۶۸ (از جمله لزوم علنی بودن دادرسی) نمی‌کند و لذا محکمه پاره‌ای از جرایم غیرسیاسی مطبوعات و رسانه‌ها که موجبات غیرعلنی شدن دادگاه را واجد هستند نظیر پرونده‌هایی که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفت می‌تواند - و بلکه باید - غیرعلنی بر گزار شود.

سنت قضایی «تشکیل مطلق دادگاه‌های رسیدگی به جرایم مطبوعات به صورت علنی» که مبتنی بر تلقی ناصحیح از اصل ۱۶۸ قانون اساسی، از ابتدای دهه ۱۳۷۰ به اجرا درآمده و نزدیک به سه دهه بر نظام قضایی کشور حاکم بوده است. صرف نظر از مغایرت با مقصود اصلی رژیم ارفاقی مورد نظر در اصل ۱۶۸ قانون اساسی - که حمایت قضایی از متهمان به ارتکاب جرایم سیاسی ناشی از معارضه‌های مسالمت‌آمیز علیه حکومت است و نه مرتکبان انواع جرایم غیرسیاسی از طریق مطبوعات - در موارد بسیاری، به نقض حرمت و حیثیت شخصی یا خانوادگی افراد و یا هتک حریم خصوصی آنان منجر شده و در مواردی دیگر، به اخلال در نظم و امنیت عمومی و یا جریحه‌دار شدن عفت عمومی و اخلاق حسنه انجامیده است. مغایرت چنین برداشتی از اصل ۱۶۸ قانون اساسی با موازین فقهی و حقوقی، چنان مشهود بوده که همواره در تمام سالیان تشکیل علنی دادگاه مطبوعات، یکی از دو راه حل تصویب قانون متضمن تقیید اطلاق اصل مزبور و یا استفسار از شورای نگهبان و درخواست اعلام نظر از فقهای شورا راجع به مغایرت اطلاق عبارت جرایم سیاسی و مطبوعاتی (به استناد ذیل اصل ۴ قانون اساسی)، برای برون رفت از این عارضه، مورد توجه اصحاب نظر و حقوقدانان قرار داشته است و به نظر می‌رسد طی سالیان اخیر، قانون‌گذار استفاده از امکان راه حل نخست را ولو به نحو تلویحی و غیرمصرح مورد توجه قرار داده است؛ از آن روی که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به خلاف رویه حاکم بر دادگاه ویژه مطبوعات، حکم علنی بودن محاکم سیاسی و مطبوعاتی را به گونه‌ای انشاء کرده است که دلالت بر اطلاق ندارد و لذا در چارچوب نظام جدید آیین دادرسی کیفری، در صورت تحقق یکی از علل و موجبات غیرعلنی شدن دادگاه، مندرج در ماده ۳۵۲ این قانون، غیرعلنی

کردن دادگاه رسیدگی به جرایم مطبوعات و نیز دادگاه رسیدگی به جرایم سیاسی (پیش بینی شده در قانون جرم سیاسی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۵)، امکان پذیر خواهد بود. اجرای مفاد مادتين ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون مذکور که بر امکان غیرعلنی کردن محاکم سیاسی و مطبوعاتی دلالت می‌کند،<sup>۱</sup> نگرش ناصحیح به اصل ۱۶۸ قانون اساسی و رویه ناصواب جاری در نظام قضایی راجع به دادرسی علنی مطلق جرایم مطبوعات را نقطه پایان خواهد گذاشت؛ زیرا سیاق بیان ماده ۳۰۵ این قانون چنان است که لزوم علنی بودن مطلق دادرسی‌های سیاسی و مطبوعات را افاده نمی‌کند و از جمع مفاد این ماده با مفاد ماده ۳۵۲ چنین بر می‌آید که هریک از موجهات غیرعلنی کردن دادرسی (تصریح شده در ماده ۳۵۲ قانون)، همه دعای کیفری از جمله جرایم سیاسی و مطبوعاتی را شامل می‌شود. ماده ۳۰۵ قانون مذکور، علنی بودن دادگاه جرایم سیاسی و مطبوعاتی را صراحتاً مشروط به رعایت ماده ۳۵۲ کرده که مفاد آن، متضمن علل و موجهات غیرعلنی کردن دادرسی‌های کیفری است. این علل و موجهات عبارت است از درخواست طرفین یا شاکی در جرایم قابل گذشت و یا موافقت دادستان در موارد خانوادگی و جرایم منافی عفت و خلاف اخلاق حسنه و نیز موارد محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی. از این رو، چنان چه به موجب مفاد هریک از دو قانون مطبوعات مصوب اسفند ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن و یا قانون جرم سیاسی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۵، موضوعات اتهامی مطروحه در دادگاه مطبوعات و یا دادگاه سیاسی، ماهیتاً متضمن یکی از علل موجهه غیرعلنی شدن دادرسی باشد، دادگاه می‌تواند به صورت غیرعلنی منعقد شود.

۱. ماده ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با رعایت ماده (۳۵۲) این قانون به طور علنی در دادگاه کیفری یک مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود». ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری: «محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند: الف) امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است؛ ب) علنی بودن، محل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد. تبصره - منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است.»

در صورتی که چنین برداشتی از مفاد مواد ۳۰۵ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مقرون به صحت باشد و از این پس دادگاه‌های مطبوعات و احیاناً دادگاه‌های رسیدگی به جرایم سیاسی وفق آن عمل کنند، رژیم دادرسی سیاسی و مطبوعاتی ایران، نوعی رجعت‌رو به تکامل به حقوق مشروطیت را تجربه خواهد کرد؛ زیرا مطابق اصل ۷۷ متمم قانون اساسی مشروطه، با اجتماع شرایطی، امکان غیرعلنی کردن دادرسی جرایم سیاسی و مطبوعات - اگرچه دشوارتر از جرایم عمومی - وجود داشت. چنین تحولی، بالمآل و در عمل، به تقریب نظام دادرسی جرایم سیاسی و مطبوعاتی با آن چه مقصود و مراد اصلی مقنن اساسی از انشاء اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده است، خواهد انجامید.

---

۱. تا زمان آماده شدن مقاله برای انتشار (شهریورماه ۱۳۹۹) هیچ محکمه‌ای برای رسیدگی به اتهام سیاسی وفق قانون جرم سیاسی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۵ تشکیل نشده است. متعاقب بخشنامه مورخ ۱۷ خردادماه ۱۳۹۹ ریاست قوه قضائیه درباره «لزوم اجرای عدالت و رسیدگی منصفانه به اتهامات مرتکبان جرایم سیاسی»، به نظر می‌رسد شرایط برای اجرای قانون جرم سیاسی مهیا شده است و رسانه‌ها به نقل از «علی القاصی مهر» دادستان تهران، از برگزاری عنقریب اولین دادگاه رسیدگی به جرایم سیاسی با حضور هیأت منصفه و با رعایت شروط مقرر در قانون جرم سیاسی برای ۵ نفر از متهمان سیاسی خبر داده‌اند (روزنامه اعتماد، شماره ۴۷۴۳، مورخ ۲۵ شهریور ۱۳۹۹). براساس ماده ۴ قانون جرم سیاسی، نحوه رسیدگی به جرایم سیاسی مطابق قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ خواهد بود.

## منابع

## الف) فارسی

## کتاب و مقالات

- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دوره چهار جلدی، انتشارات اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- اسماعیلی، محسن. (۱۳۷۶)، «دادگاه‌های مطبوعاتی؛ شرایط و ویژگی‌ها»، فصلنامه رسانه، سال هشتم، شماره ۱.
- پیوندی، غلامرضا. (۱۳۸۲)، جرم سیاسی، تهران: سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رحمانی، قدرت‌الله. (۱۳۹۷)، جرم سیاسی در حقوق ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- رحمانی، قدرت‌الله. (۱۳۹۴)، «دادگاه رسانه و عدالت رویه‌ای»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۱.
- رضوی فرد، بهزاد؛ حسین، قربان‌زاده. (۱۳۹۵)، «حق بر علنی بودن دادرسی به عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره هفتم، شماره ۱.
- زینلی، محمدرضا. (۱۳۷۸)، جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی (مطالعه تطبیقی)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شعبانی، قاسم. (۱۳۷۴)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، چاب چهارم، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.
- شیخ‌الاسلامی، عباس. (۱۳۸۰)، جرایم مطبوعاتی؛ بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان، چاپ اول، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

- صالحی انصاری، محمدجواد. (۱۳۸۵)، *دادگاه مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد. (۱۳۸۸). *حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر دوم، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها*، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- مدنی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۷۴)، *حقوق اساسی تطبیقی*، تهران: انتشارات گنج دانش.
- نیکوئی، سمیه. (۱۳۸۵)، «الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۰.
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۱)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، نشر میزان.
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: نشر میزان.

#### اسناد

- پیک ویژه شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران، مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۰۳
- پیک ویژه شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران، مورخ ۱۳۸۸/۰۶/۱۵
- رأی هیات منصفه دادگاه مطبوعات استان تهران، صورت جلسه ۱۳۸۵/۰۶/۱۸
- رأی هیات منصفه دادگاه مطبوعات استان تهران، صورت جلسه مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۰۳

#### ب) انگلیسی

- New translation of the Belgian Constitution was mad under the guidance of the Legal Department of the House of Representatives and with the collaboration of Mr A.Maclean in: [www.Legislation Line.org/download/actio/download/id/1744/file/...PDF](http://www.Legislation Line.org/download/actio/download/id/1744/file/...PDF).